

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

اصل مقاله

در ادامه تحقیق و تعلیق مقاله مرحوم میرزا ظاهر تنکابنی به بخش تفسیر رسیدیم و برای تکمیل نسبی آن تحقیق مستقلی را آغاز کردیم و در راستای آن در دو شماره گذشته از تفسیر آغاز و تطور آن و نیز برخی از منابع علوم قرآن سخن گفتیم. اینک برای حفظ روال مقالات پیشین ابتداء بخشی از مقاله مرحوم تنکابنی را می آوریم و سپس به شناسائی برخی از تفاسیر فریقین خواهیم پرداخت که در چند مقاله پی در پی خواهد آمد:

علم تفسیر قرآن و یکی از علوم مهمه اسلامی که اهم و اکمل از همه علوم است علم تفسیر قرآن مجید و کلام الله الحمید است که درازمنه قدیمه نهایت اهتمام در بحث و فحص و فهم آن می شد و از جمله دروس عالیه بشمار می رفت .

اما کتب تفسیر از مصنفات علماء اسلامی زیاد از حد و اندازه است ولیکن در کتب علماء شیعه از تصنیف قدماء کتابی که معروف و متداول است :

اول - تفسیر علی بن ابراهیم قمی ره محدث جلیل القدر میباشد که در طهران بطبع رسیده .

دوم - مجمع البیان تصنیف عالم کامل و مفسر فاضل ابوعلی فضل بن حسن طبرسی رحمه الله علیه است که در سال ۵۴۸ وفات

کرده و این کتاب در تفسیر جامع اختلاف قراء و وجوه اختلافات و اعراب آیات و سایر مطالب لازمه در تفسیر میباشد و خود مصنف آنرا تلخیص و مختصر کرده که موسوم بجمع الجوامع میباشد و هر دو در طهران به طبع رسیده .

سوم - روح الجنان و روح الجنان که فارسی است و مصنف آن جمال الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی معروف بشیخ ابی الفتوح رازی است که در اوائل مائه سادسه هجری میزیست و گویند معاصر زمخشری صاحب کشف بوده و امام فخرالدین رازی در تفسیر کبیر خود از این تفسیر استفاده کرده و این کتاب در جمع فوائد و نشر عوائد بی نظیر است و در طهران بطبع رسیده .

واز کتب تفاسیر که متاخرین علماء شیعه نگاشتند و در نهایت اتقان و کمال است تفسیر صافی تئیف عالم فاضل و محدث کامل و عارف کبیر و فقیه بی نظیر ملامحسن کاشی معروف بفیض است که در طهران بطبع رسیده .

عالمان و محققان شیعی از سپیده دمان تاریخ اسلام سنگربانان فرهنگ اسلامی و دیده بانان هوشمند معارف الهی بودند. محدثان و عالمان دلباخته ولایت علوی که شیفتگی و عشق به حق و حق مداری را از مولی و پیشوای بزرگ خویش به راث برده اند در حراست از کتاب حق آیین حق از هیچ کوششی باز نایستادند. اینان از همان آغاز در زیر سلطه جباران و اوج خفقان واپسین به نقل و نگارش حدیث تفسیر تاریخ و ... پرداختند و از مرزهای معارف الهی و عقاید قرآنی و مآثر اسلام دفاع کردن واز تمامیت آن حراست کردند. عالمان شیعی در بسیاری از شعب دانشهای اسلامی آغازگران ۱ تالیف و تصنیف بودند که آثار گرانبسنگ این بزرگان در عین ابتکار خلاقیت و ژرفانگری از گستردگی عظیمی برخوردار است . در موضوع مورد بحث نیز چنین است . چنانکه پیشتر گفته ایم ۲ تفسیرنگاری و تدوین آثار تفسیری در این مکتب با تفسیر شهید بزرگوار آستان علوی سعیدابن جبیر تابعی آغاز شد و با قلم و تلاش پژوهشگران دیگر رشد کرد و تحول یافت و گسترده گشت . عالمان شیعی در این حرکت دیرپای و درازآهنگ تحقیق و پژوهش صدها تفسیر عظیم و عمیق را در مجلدات متعدد به میراث نهادند. تحقیق و بررسی آثار تفسیری شیعه و نقد و تحلیل مجموعه هائی که عالمان شیعی در ابعاد مختلف قرآن نگاشته اند و بالاخره بررسی تاریخ تفسیر و تطور آن و چگونگی تفاسیر شیعه و منابع تفسیری در نزد شیعه از پژوهشهای برجای مانده ای است که لازم است همت های بلند و پژوهشگران دریا دل بدان توجه کنند و با عرضه آثار ارزشمند در این زمینه بزبانهای مختلف نشان دهند که سخنان امثال بلاشر که نوشتند می توان همینطور از آثاری که از تشیع الهام گرفته اند چشم پوشید یا اینگونه نگاشتند که [ برای شیعیان مطلب بر سر این است که در قرآن قسمتهائی را بیابند که حاکی از اولویت علی ( ع ) و اولاد او باشد ] و ... و نوشته های امثال دیگر محمدحسین ذهبی که نوشت [ شیعه اثنا عشری قرآن را بر اساس امیال خود تفسیر می کنند و در تفسیر مذهبی آنها مستند صحیحی وجود ندارد بجز ] [ جامعه ] [ جفر ] و ... و اینها مهمترین مستند شیعیان در تفسیر است ] .

یاوه ای بیش نیست و حقیقت جز این است که این محقق نماها به عالم مطبوعات و اندیشه نسلها عرضه می کنند. براستی می شود از تفسیر گرانقدری چون [ التبیان ] و اثر اعجاب آفرینی چون [ مجمع البیان ] و صدها تفسیر معتبر دیگر چشم پوشید؟ آیا در این تفسیرها در لابلائی اوراق مترکم و مجلدات بسیار این تفاسیر تمام همت مولفان این بوده که نشان دهند آیات حاکی از اولویت علی ( ع ) و اولاد است ؟ و آیا در این پژوهشها و تحقیقهای طاقت فرسا و ژرف متکی بر دهها منبع حدیثی لغوی تاریخی کلامی واز همه بیشتر تدبر دقیق در متن قرآن برای تفسیر قرآن که عالمان شیعی آن را رهبران الهی خود آموختند جز منابع پنداری دکتزدهبی منبعی دیگر وجود ندارد؟ بنظر ما این نوع داوریهها ریشه ای جز نادانی ندارد که سرچشمه همه بداندیشی هاست . بهرحال آنچه در این مقاله ها می آید

کوششی است متواضعانه که در پی تکمیل مقاله مرحوم تنکابنی نگاشته شده است و قلم آن بزرگ زمینه نگارش این مطالب شده است و روشن است که آنچه در ضمن این دو مقاله معرفی خواهد شد گزیده ای است از تفاسیر چاپ شده شیعی گزیده ای است از تفاسیر چاپ شده شیعی و [نمی است از یم] و قطره ای است از دریای ناپیدا کرانه و موج خیراندیشه های بلند و تحقیقات ژرف عالمان اسلامی که از سرچشمه زلال مکتب اهل بیت سیراب گشته و آثاری گرانسنگ سامان داده اند. دهها تفسیرارشمند و سودمند در عرصه مطبوعات به چاپ رسیده و مورد استفاده اند و صدها تفسیر و آثارارجمند نیز در گذرگاه زمان ناپدید شده و یا نسخه های خطی آنها در مجلدات متعدد در گوشه کتابخانه هاست و همت بلند همتان را برای عرضه می طلبند. ۵

تفسیر عیاشی: از تفاسیر بسیار معروف و معتمد شیعی است که با شیوه [نقلی] نگارش یافته است شرح حال نگاران در آثار خودازاین تفسیر یاد کرده ۶ و محققان و مفسران اسلامی در آثار خود به آن استناد جسته اند.

مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبائی در مقدمه کوتاهی که بر چاپ حروفی آن نگاشته اند نوشته اند:

[از نیکوترین آثار ما در میان تفاسیر نقلی قرآن کتاب تفسیر منسوب به عیاشی (ره) است. این کتاب در موضوع خود بهترین کتابی است که تالیف شده است و در میان تفاسیر نقلی از موثق ترین آثاری است که پیشینیان به جای مانده است] ۷.

تفسیر عیاشی با روایاتی در فضیلت قرآن می آغازد. سپس در ضمن ابوابی روایاتی می آید نشانگر ترک روایات مخالف قرآن تفسیر ناسخ و منسوخ ظاهر و باطن محکم و متشابه علم ائمه [ع] به تاویل قرآن تفسیر به رای و ناپسندی جدل به قرآن.

پس از این مقدمات تفسیر سوره ها می آغازد و ذیل آیات روایاتی که ازائمه [ع] نقل شده است بدون هیچ اظهار نظری عرضه می شود.

آنچه اینک از این اثر گرانسنگ موجود است تفسیر تمامت آیات قرآن را شامل نمی شود. بخش موجود جزء اول این تفسیر است که تا آخر سوره کهف را در بر می گیرد و جزء دوم آن گویا در گذرگاه زمان از بین رفته است. علامه طباطبائی می فرماید:

[جزء دوم آن ناپدید گشته است و ارباب تفسیر نقلی و محدثین مانند بحرانی و حویزی و ... از جزء دوم آن روایتی نقل نکرده اند. گفته می شود در برخی از گنجینه های کتاب در شهرهای جنوبی ایران نسخه ای وجود دارد جامع هر دو جزء ولی تاکنون حقیقت این خبر روشن نشده و ما به آن دست نیافته ایم امید است خداوند دریافتن و نشر

آن توفیق عنایت فرماید]. ۸

نکته دیگر این که تمام روایات تفسیر عیاشی مسند بوده است اما پس از مدتی فردی به پندار خود برای این که دست یابی به آن برای کاتبان و خوانندگان آسان گردد اسناد را حذف کرده است .

علامه مجلسی در مقدمه بحارالانوار و در ضمن توثیق مصادر بحار فرموده اند:

از این تفسیر دو نسخه کهن دیده ام رجالیان نیز [از این تفسیر را از آثار عیاشی شمرده اند لکن برخی از نسخه برداران اسناداخبار را حذف کرده و در سرآغاز آن در توجیه کار خود [غذری بدتراز گناهی] آورده است] ۹ .

بنابراین تفسیر عیاشی موجود عملاً مختصر تفسیر عیاشی است و نه عین آن کسی که اسناد کتاب را حذف کرده است و در توجیه کار خود چنین گفته است :

چون در تفسیری که (محمد) بن مسعود عیاشی آن را نگاشته است در نگریم به آن رغبت یافتیم و به جستجو برخاستیم تا کسی که این تفسیر را [سماعا] از مصنف یا غیر آن دریافته است فرا گیرم ولی در دیار خود چنین کسی نیافتم از این روی اسناد آن را حذف کردم و باقی را همچنان که بوده است آوردم تا دست یابی به آن برای استنساخ کنندگان و خوانندگان آسان گردد اگر پس از این تفسیر را نزد کسی بیابم که آن را از مولف شنیده باشد و یا از وی اجازه نقل داشته باشد اسناد را خواهم آورد ۱۰

الحق بدانسان که علامه عالیقدر مرحوم مجلسی فرموده اند [غذری است بدتراز گناه] حذف اسناد این اثر گرانمایه ضربه شدیدی به اعتبار آن وارد ساخته است سوگمندانه اینگونه احساس مسوولیت‌های ناشیانه و گاه جاهلانه بسیاری از مآثر کهن و آثار سلف صالح را از ارزش انداخته و گاه زمینه های تحریف و تبدیل را بوجود آورده است . آثار سلف صالح بهمانگونه که هست باید حراست شود نقد و تحلیل آثار غیر از مثله کردن آنهاست . بهرحال تفسیر عیاشی که نسخه های بوجود آن برای استفاده در دست محدثان و مفسران دست به دست می گشت به سال ۱۳۸۰ با همت آقای سیدهاشم رسولی محلاتی به زیور طبع آراسته شد. و در دو جلد منتشر گشت محقق محترم کتاب را براساس دو نسخه خطی و با مقابله با تفاسیر برهان مجمع البیان صافی و منابع حدیثی همانند ! بحارالانوار و سائل الشیعه و اثبات الهداه به چاپ رسانده است و در پانوشتها جایگاه احادیث در این منابع را نشان داده و اختلاف نسخ را یاد کرده است و گاهی توضیحاتی در ضبط صحیح کلمات و یا در توضیح عبارات روایات آورده است . علامه طباطبائی (ره) نیز مقدمه نئی کوتاه نگاشته و در ضمن آن از جایگاه حدیث در تفسیر قرآن اعتبار کتاب و عظمت و موقعیت علمی و حدیثی مولف سخن گفته است .

مؤلف تفسیر عیاشی ابوالنصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش السلمی از عالمان محدثان مفسران بزرگ اسلامی در قرن سوم هجری است. شرح حال نگاران و رجالیان به اتفاق وی را ستوده اند و از او به وثاقت در روایت گستردگی دانش کثرت تالیف جامعیت دراطلاعات و آگاهیهای علمی و ... یاد کرده اند.

نجاشی می گوید:

[محمد بن مسعود ... معروف به عیاشی ثقه است و راستگوی و یکی از چهره های برجسته شیعه. وی در آغاز سنی بوده است حدیث بسیاری از آنان شنیده سپس تشیع اختیار کرد در حالی که هنوز در سنین جوانی بود. ۱۱]

شیخ طوسی از وی یاد کرده و او را بدینگون ستوده است:

[ او در میان اهل مشرق زمان خود در دانش فضیلت فهم تیزهوشی و خردمندی برتر از همه بود بیش از ۲۰۰ کتاب نگاشته است که ما در فهرست از آنها نام برده ایم] ۱۲.

ابن ندیم می گوید:

[عیاشی از فقهاء شیعه امامیه است. او در گستردگی دانش یگانه روزگار خود بوده و کتابهایش در نواحی خراسان از جایگاه شایسته ای برخوردار بودند] ۱۳.

مرحوم مدرس خیابانی در شرح حال وی آورده اند:

محمد بن مسعود... معروف به عیاشی شیخ اجل عامل فاضل ادیب مفسر محدث صدوق و ثقه از اعیان علمای فرقه حقه و اکابر فقهای اثنی عشریه عهد کلینی محمد بن یعقوب بلکه در طبقه مشایخ وی می باشد. کشی صاحب رجال معروف نیز از تلامذه او بوده و از او روایت می کند در علم و فضل و فهم و ادب و تبحر و تنوع علمی و حید زمان خود روایاتش کثیر باصول روایت بصیر و در طب و نجوم و قیافه و رویا و هر یک از ابواب فقهیه زیاد بر دویت کتاب تالیف داده است. ۱۴

عیاسی مردی دانش دوست و دانش گستر بود. وی تمام آنچه راز پدر به ارث برده بود در دانش گستری به کار گرفت خانه وی مرکز تعلیم و تعلم بود. نجاشی در رجال خود می گوید:

[ ابوالنصر برای گسترش علم و حدیث تمام آنچه راز پدر به ارث برده بود که بالغ بر ۳۰۰ هزار دینار می شد اتفاق کرد. خانه وی چونان مسجدی بود مملو از کسانی که برخی به نگارش حدیث و بعضی به مقابله و استنساخ نسخ و گروهی به حاشیه نگاری و تعلیق نویسی و ... مشغول بودند] ۱۵.

عیاشی صاحب کرسی تدریس نیز بوده است محفلی برای عوام و مجلسی برای خواص داشت و در منزلش که آن را مرکز دانش و مدرسه تعلیم دانسته اند جستجوگران دانش را از سرچشمه زلال اندیشه هایش سیراب می کرد. ۱۶

تفسیر القمی از تفاسیر کهن واز مجموعه های ارزشمند تفسیری است واز نمونه های عالی و گرانقدر تفسیر به ماثور. تفسیر قمی از منابع روایی و تفسیری است که همواره مورد توجه و مراجعه محققان و پژوهشگران اسلامی بوده است. شیخ در فهرست و نجاشی در رجال و دیگر و رجالیان از این کتاب یاد کرده اند. ۱۷ بنابراین انتساب این کتاب فی الجمله به علی ابن ابراهیم قمی مسلم است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در اثر جاویدان خود [الذریعه] پژوهشی گسترده پیرامون این تفسیر را عرضه کرده و نشان داده است که علی بن ابراهیم قریب به اتفاق روایات تفسیر را از امام صادق [ع] و از طریق پدرش ابراهیم بن هاشم نقل کرده است. در تفسیر موجود این روش تا آیه ۴۹ از سوره آل عمران ادامه یافته است پس از آن شیوه اسناد تغییر می یابد و روایاتی از امام باقر [ع] با سندی آورده می شود که همان طریق مشهور به تفسیرابی الجارود است مرحوم آقا بزرگ نمونه های بسیاری را می آورد که نشانگر این است که مجموع آنچه در این تفسیر آمده به جمع تدوین علی بن ابراهیم نیست آمده به جمع تدوین علی بن ابراهیم نیست بعنوان نمونه می فرمایند: در مواضع متعددی این عبارت آمده است (رجع الی تفسیر علی بن ابراهیم) و یا (رجع الی الی روایه علی بن ابراهیم) و یا (من هنا عن علی بن ابراهیم) و ... بدینسان آنچه بعنوان تفسیر علی بن ابراهیم مشهور است آمیخته ای است از تفسیر وی و تفسیرابی الجارود که ابوالفضل العباس بن محمد بن قاسم ... ترتیب داده و عرضه کرده است. ۱۸.

چنان که پیشتر یاد کردیم [تفسیر علی بن ابراهیم] تفسیر نقلی است. مولف جلیل القدر ابتداء گزیده ای از روایات مفصلی را از

علی [ع] آورده است در بیان انواع علوم قرآن و آنگاه متن تفسیر را آغاز کرده است و در ذیل آیات روایات امام صادق [ع] را نقل کرده است. بجز روایات گاهی مطالبی را در توضیح آیات افزوده است. بجز روایات گاهی مطالبی را در توضیح آیات افزوده است. مولف [کشف الحجب] می گوید:

[تمام این تفسیر احادیث است مگر کلماتی اندک و عباراتی کوتاه که از خود علی بن ابراهیم است] ۱۹.

برخی از فهرست نگاران در توضیح شیوه نگارش این تفسیر آورده اند:

طریقه این تفسیر آن است که یک یا چند آیه از قرآن کریم را ذکر نموده و الفاظ مشکله آن را با لفظ سهل تفسیر و معنی می نمایند و بر صدق مدعای خود اخباری از ائمه و پیغمبر [ع] با اسناد صحیح ذکر می نمایند و قبل از شروع

به تفسیر فاتحه مطالبی را که دانستن آنها برای جستجو کنندگان از مقاصد و معانی قرآن لازم بلکه واجب است از قبیل بیان محکّمات و متشابهات و منسوخات و عمومات و خصوصات و رد بر قدریه و دهریه و وثنیه و غیر اینها ذکر نموده اند موارد نزول آیات و سور را هم تذکر شده اند ۲۰

[تفسیر قمی] یکبار مستقلا به سال ۱۳۱۳ به چاپ سنگی نشر یافته است و بار دیگر همراه با تفسیر منسوب به امام حسن عسکری [ع] به سال ۱۳۱۵. این هر دو چاپ افزون بر چاپ نامناسب دارای اشتباهات بسیاری بودند که نیاز به یک چاپ منقح و الزامی می ساخت. بالاخره آقای سید طیب موسوی جزائری به تصحیح و تعلیق این اثر همت گماشتند و آن را در دو جلد به قطع وزیری همراه با یک مقدمه در شرح حال مولف و مشایخ وی با عرضه به چهار نسخه کهن و مقابله و تصحیح و تعلیق منتشر ساختند.

گزینشهای تفسیر قمی: چنان که پیشتر یادآوری کردیم [تفسیر قمی] همواره مورد توجه و مراجعه عالمان و محدثان و مفسران اسلامی بوده است. برخی از عالمان به گزینشوختصار تفسیر قمی پرداختند و برخی ضمن این تنقیح برخی مطلب بر آن افزوده و با تنظیمی دیگر آن را عرضه کرده اند. از آن جمله است [اختصار تفسیر علی بن ابراهیم] از محمد بن صالح کفعمی ۲۱. گزینش دیگری است که مرحوم شیخ آقا بزرگ از آن به [مختصر تفسیر علی بن ابراهیم لبعض الاصحاب] ۲۲ یاد می کند. و بالاخره گزینش سومی است [مختصر تفسیر علی بن ابراهیم] از شیخ کمال الدین عبدالرحمان بن محمد عتایی ۲۳. وی چگونگی کارش را در مقدمه کتاب بدینگونه توضیح داده است:

[کتاب استاد فاضل علی ابن ابراهیم قمی را دیدم و آن را کتاب بزرگی یافتم که قابلیت اختصار و گزینش را داشت. از این روی به اختصار آن همت گماشتم با حذف اسانید و مکررات و الفاظ برخی از آیاتی که نیاز به توضیح نداشت و بجای اینها چیزهائی را که شایسته بود بر کتاب افزودم].

وی در فرجام کتاب دوباره به چگونگی کارش اشاره کرده می نویسد:

[این پایان پیرایش و تنقیح ماست از ۷ جزء کتاب علی بن ابراهیم. به متن آن آنچه را مناسب دانستم افزودم و آنچه ظاهرش با عصمت انبیاء و اولیاء منافات داشت حذف کردم] ۲۴

مولف تفسیر: علی بن ابراهیم ابن هاشم قمی از محدثان فقیهان مفسران و دانشمندان عالیقدر معتمد و موثق شیعی است لا شرح حال نگاران و رجالیان به وثاقت جلال بزرگواری و جایگاه بلند وی در نقل حدیث و دقت و اعتماد در آن ستوده است ۲۵ و ابن ندیم وی را در زمره عالمان و فقیهان نگاشته است ۲۶ و فضل بن حسن طبرسی وی را از بزرگترین عالمان اصحاب تلقی کرده است. ۲۷

علی بن ابراهیم در نگارش و تالیف زبردست بوده و آثار بسیاری از خود بر جای نهاده که گویا بجز تفسیر وی آثار دیگرش در گذر زمان از بین رفته است . ۲۸

التبیان فی تفسیرالقرآن این کتاب یکی از بزرگترین و گرانقدرترین آثار فرهنگ اسلامی است . با تفسیر پر مایه و سرشار از تحقیق و نقد و تحلیل [تبیان] تفسیرنگاری وارد مرحله نوین عمیقی شد. قبل از شیخ الطائفه تنها مجموعه تفسیری که تا حدودی از مرز نقل روایات و تبیین معانی لغات فراتر رفته و جنبه نقد و تحلیل روایات و اقوال را مراعات کرده است تفسیر [جامع البیان] طبری است . که پس از این درباره این تفسیر سخن خواهیم گفت و کاستیها و چگونگیهای آن را به اجمال عرضه خواهیم کرد. •

شیخ برای اولین بار در تفسیر قرآن به نقل و نقد و تحلیل جدی راء و روایات براساس اصول متقن علمی روی می آورد و تفسیر را از نقل و گزارش اقوال و روایات که گاه متضاد هم می نمودند بیرون می کشد و نیز برای اولین بار در شیوه تفسیری شیخ نگرش عقلانی برای ارزیابی اقوال و روایات به میدان می آید و جای طبیعی خود را می گشاید. شیخ در مقدمه تفسیر خود پیرامون روش برگزیده اش در تفسیر چنین می گوید:

[در تفسیر آیات تقلید مفسران روا نیست بلکه باید قولی را برگزید که مورد اجماع مفسران باشد و بواسطه اجماع پیروی از آن لازم گردد. زیرا برخی از مفسران دارای شیوه ئی مطلوب بودند همانند ابن عباس مجاهد و ... و برخی از شیوه ناپسندیده ئی پیروی کردند همانند سدی و کلی و ... و آنان را نکوهیده اند این در طبقه نخستین. اما متاخران هر کدام روش خود را یاری رسانده اند و آیات را بر آن اساس تاویل کرده اند که تقلید هیچکدام از آنان روانیست .

بلکه شایسته آن است که به ادله صحیحه عقلی و شرعی مراجعه شود از قبیل : اجماع و روایت متواتر که متابعت از آنها لازم است . خبر واجد پذیرفتنی نیست بویژه اگر طریق آن علم باشد. و هرگاه تاویل آیه ای نیازمند به گواهی لغت باشد لغت شایع باشد. ولی خبر واحد والفاظ نادر که نمی توان به آن قطع حاصل کرد نباید شاهد کتاب خداوند قرار گیرند]. ۲۹

آنچه از بیان شیخ آوریم به روشنی نشانگر شیوه تفسیر وی در تبیین و توضیح آیات الاهی است . چنان که دیدیم شیخ پیروی از دلایل عقلی و نقلی را مسلم شمرده و در دلیل نقلی تواتر و [مجمع علیه] بودن آن را شرط کرده خبر واحد را نپذیرفته و اقوال متاخران از مفسران را غیرقابل پیروی انگاشته است . شیخ با تکیه و تاکید بر این اصول بسیاری از روایات و اقوال مفسران طبقه نخستین را نپذیرفته و نقاط اشتباه و ضعف را در آنها روشن ساخته است چنان که گاهی برخی از روایات عامه و خاصه را بواسطه این که خبر واحد هستند و موجب علم نمی باشند ترک



کرده است. شیخ که اقوال مفسران نخستین را بدایره نقد و تحلیل می ریزد و سره راز ناسره جدا می کند در پذیرش اقوال متاخران همانند: طبری بلخی رماین و ... سخت گیری بیشتری نشان می دهد<sup>۳۰</sup>.

نقش عقل در تفسیر [تبیان]: گفتیم شیخ در تفسیر آیات به دلیل عقلی استناد جسته و بدینسان برای اولین بار ادله عقلیه در تفسیر [تبیان] بطور گسترده در تبیین معانی الفاظ قرآن خودنمائی کرده است در صورتی که پیشتر تنها دلیل نقلی در روشهای مفسران بکار می رفت. عالم بزرگوار شیخ محمدحسین آل یس در مقاله سودمند خود از نقش عقل در روش تفسیری شیخ چنین آورده است:

عقل نیز در روش شیخ نقش بزرگی بعهدہ دارد. و طوسی به آن در شرح معانی قرآن و تبیین اهداف آن و در رد گفتار صاحبان مذاهب و اندیشه های مختلف و دفاع از عقاید راستین شیعه امامیه و ابطال شبهه ها و نقدهای وارده بر آنان کمال اعتماد دارد و مورد نظر قرار داده است. روشترین نمونه تکیه به عقل در تفسیر تبیان که اعجاب انگیز است و شایسته تقدیر این که شیخ بااستناد به ادله عقلی در قرن پنجم هجری فکر کرویت زمین را رد نکرد. او در این باره می گوید: ابو علی جبائی به این آیه (آیه ۲۲ سوره بقره) استدلال کرده است که زمین مسطح است و بعکس آنچه منجمین و بلخی می گویند زمین را کروی نمی داند شیخ اضافه می کند که ابوعلی برای رد گفتار منجمان به آیه [جعلها فراشا] استناد جسته به این بیان که آیه نشانگر این است که زمین پهن است و حال آن که کره پهن نیست. ابوعلی اضافه می کند که عقل نیز بر بطلان قول اینان دلالت می کند چرا که زمین با وجود دریاها نمی تواند کروی باشد. چون آب جز در جائی که دو جانب متساوی دارد قرار نمی گیرد... اگر یک قسمت زمین بلندتر از سمت دیگر باشد آب از ناحیه مرتفع به سمت پائین جاری می گردد. سپس شیخ در رد جبائی می گوید: آیه مزبور دلالت بر گفتار وی ندارد. زیرا کسی که می گوید زمین کروی است مرادش این است که، جمعا به شکل کره است! ۳۱

نمونه روش دیگری که نقش عقل را در تفسیر [تبیان] نشان می دهد این است که شیخ بعید نمی داند که ابرها ناشی از بخار زمین باشد. وی در این باره می گوید اگر گفته شود آیا ممکن است ابر بخارهایی باشد که از زمین متصاعد می گردد؟ می گوئیم ممکن است چنین باشد و دلیل عقلی و سمعی بر منع آن وجود ندارد. ۳۲

با تتبع در صفحات زرین این تفسیر گرانمایه نمونه های بسیاری از این قبیل توان یافت که شیخ الطائفه یا تکیه به عقل و استدلالهای عقلانی اندیشه ها و یافته های عالمان اسلامی را در تفسیر آیات به نقد و تحلیل کشیده و حق را به کرسی نشانده است. گزارش ابعاد مختلف علوم اسلامی در تفسیر تبیان فرصتی فراختر می طلبد ۳۳ عالمان و شرح حال نگاران اسلامی تفسیر تبیان را اولین تفسیری دانسته اند که جامع فنون مختلف و دانشهای مربوط به قرآن است. شیخ در کنار تبیین و توضیح معانی آیات و عرضه اقوال مختلف در مباحث کلامی و عقیدتی توجهی خاص

به جنبه لغوی نحوی اشتقاقی و قرائتی آیات دارد. شیخ در این زمینه ها نیز اقوال و آراء مختصصان این فنون را عرضه کرده به نقل و تحلیل آنها می پردازد.

شیخ به قصص و تاریخ امتهای پیشین نیز توجه کرده است و در این زمینه نیز ساده انگاری را به یکسو نهاده و به ارزیابی و جداسازی سره از ناسره پرداخته است. نمونه را در داستان آدم و حوا روایتی را ضعیف دانسته و طرد می کند. ۳۴ و در قصه هاروت و ماروت با آوردن اخباری از اسرائیلیات با تکیه بر عصمت ملائکه و فقدان شرایط پذیرش و صحت در روایات به اخبار وارده خط بطلان می کشد ۳۵ باری تفسیر [تبیان] دریائی است موج خیر و مجموعه ای است گرانشگ سرشار از تحقیقات و مطالب سودمند و نشانگر جامعیت و گستردگی دانش مولف بزرگوار آن .

انگیزه تالیف : شیخ الطائفه در آغاز تفسیرانگیزه خود را از نگارش تفسیر بیان داشته است :

[آنچه مرا وادار کرد که دست بکار نگارش این کتاب گردم این بود که هیچیک از دانشمندان شیعه را نیافتم که کتابی جامعه و شامل تفسیر تمام قرآن مشتمل بر فنون مختلف و معانی آن فراهم آورده باشد. گروهی از عالمان در گذشته به گردآوری روایاتی که بدان دست یافته اند همت گماشته اند بدون این که استقصاء کامل کنند و به تفسیر آیاتی که نیازمند تبیین و تشریح هستند پردازند. گروهی دیگر به تفسیر آیات پرداخته اند اینان نیز برخی - همانند طبری و ... در معانی قرآن سخن را بدرازا کشانده و در عرضه فنون آن هر چه بدست آورده نقل کرده اند. و برخی دیگر تنها به گزارش واژه های مشکل و تبیین معانی الفاظ آن بسنده کرده راه اختصار جسته اند بقیه نیز که راه اعتدال جسته اند آنچه را فهمیده نقل کرده و هر چه را ندانسته اند ترک گفته اند. نحویان تمام تلاش خود را به جنبه ادبی قرآن معطوف داشته اند و متکلمان به مباحث کلامیه پرداخته اند و تنی چند نیز به فنون دیگر گرایش پیدا رده اند گاه مطالب نامناسب با تفسیر: همانند بسط گسترش فروع فقهی و اختلاف فقهاء را آورده اند. شایسته ترین کسانی که در این زمینه راه اعتدال جسته اند عبارتند از محمدابن بحرابومسلم اصفهانی و علی ابن عیسی رمانی . کتابهای اینان بهترین آثاری است که در این زمینه به نگارش در آمده است . باین همه اینان نیز گاهی به درازا گوئی پرداخته و چیزهای غیر لازم را آورده اند.

شنیدم که گروهی از اصحاب ما ( علمای شیعه ) از دیر زمان به تفسیری اظهار تمایل می کردند که در عین اعتدال مشتمل بر جمیع فنون و علوم قرآن باشد مانند: قرائت معانی آیات اعراب بیان آیات متشابه پاسخ از اشکالات ملحدان جبریان و دارندگان اندیشه های باطل و ... و بیان استدلال عالمان در موارد لازم از آیات قرآنی بر اساس مذهب اهل بیت در اصول عقاید و فروع فقهی .

و من انشاءالله بهمین مقصود آغاز می کنم و گزیده گوئی و اختصار را شیوه خود می گیرم نه چنان بدرازی سخن گفت که خواننده را خستگی آفریند و نه انسان مختصر خواهم آورد که وی را از دریافت معانی باز دارد و در آغاز فصلی را برای یک سلسله مطلبی که دانستن آن لازم است بدون استیفاء می آورم و از خداوند کمک می جویم و هدایت به راه رشد را از او می طلبم] ۳۶

(تبیان) در گفتار (عالمان) تفسیر [تبیان] از زمان نگارش و نشر آن مورد توجه عالمان محققان و مفسران اسلامی بوده است. بسیاری از شرح حال نگرانان بهنگام نگارش شرح حال شیخ از این تفسیر به بزرگی یاد کرده گستردهگی مطالب و والاتیهای گونه گون آن را ستوده اند. شیخ خود بهنگام شمارش آثارش در [فهرست] از تفسیرش یاد کرده است

[له کتاب تفسر القرآن لم یعمل مثله] ۳۷.

شیخ طبرسی مفسر بزرگ شیعی درباره [تبیان] می نویسد:

[تبیان کتابی است که نور حق از آن می درخشد و بوی راستی از آن می تراود. در برگیرنده معانی و اسرار بی همتا و شامل ادبیات بدون روشنگری و تبیین و به آراستن مباحث

بدون تحقیق و ژرف اندیشی قانع نمی شود. [تبیان] راهنمایی است که من از پرتوازانوار آن بهره می گیرم و به شیوه آن در کتاب گام بر می دارم و قلم می زنم]. ۳۸

علامه سیدمهدی بحرالعلوم می نویسد:

[در علم تفسیر [تبیان] را نگاشته است. [تبیان] در میان تفاسیر کتابی است گرانقدر بزرگ و بی همتا بگونه ای که شیخ طبرسی - که پیشوای مفسران شناخته شده است از چشمه سار آن بهره گرفته و بدان اعتراف کرده است ... و دانشمند محقق مدقق محمد بن ادريس عجلی با همه مخالفتیهای که با نظریات شیخ در اکثر تالیفات او دارد درباره [تبیان] تامل می کند و به جایگاه والا و استحکام بنیان مطالب و مباحث اعتراف می کند] ۳۹.

علامه پژوهشگر مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

[تبیان اولین تفسیری است که انواع علوم قرآن را جمع کرده است].

مرحوم شیخ پس از این بیان گفتار مرحوم طبرسی و بحرالعلوم را می آورد و آنگاه نسخه های خطی موجود در کتابخانه ها را معرفی می کند سپس از چاپ پیشین کتاب بوسیله مرحوم آیه الله سیدحجه کوه کمری یاد کرده می فرماید:

راستی مرحوم حجت با نشر این اثرات اسلامی راز فایدتی عظیم بهره مند ساخت و خدمت بزرگی انجام داد. زیرا همواره عالمان بزرگ آرزو می کردند اجزاء متفرق و پراکنده آن در کتابخانه های دنیا یکجا گرد آید و مورد بهره وری قرار گیرد. مرحوم حجت برای جامه عمل پوشانیدن به این آرزو توفیق یافت واجزاء پراکنده آن را فراهم آورد و به طبع رساند. اینک آرزوین است که دانشمندان و فاضلان به این تفسیر روی آورند و از آن بهره گیرند .

چاپهای تبیان: چاپ دو جلدی به قطع رحلی : نسخه های تفسیر [تبیان] تا سال ۱۳۶۴ هجری قمری در کتابخانه های مختلف پراکنده بود. در این سال اجزاء پراکنده آن به پایمردی مرحوم آیه الله سید محمد حجت کوه کمری تبریزی در یکجا گرد می آید و با همت تنی چند از عالمان تصحیح شده و در مجلد بزرگ (جلداول در ۸۶۹ و جلد دوم در ۸۰۰ صفحه به سال ۱۳۶۵) منتشر می شود.

۲. چاپ ۱۰ جلدی به قطع وزیری : این چاپ به تحقیق و تصحیح تعلیق پژوهشگر سختکوش آقای احمد حبیب قصیرالعملی سامان یافته است . در آغاز جلد اول شرح حال محققانه و بسیار ارزشمند است از علامه پژوهشگر مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی . محقق کتاب بجز تصحیح و تحقیق متن پانوشتهها سودمندی در تعیین مواضع آیات اشعار ضبط اختلاف نسخه ها توضیح

لغوی برخی از واژهها بر آن افزوده است . در پایان هر جلد فهرستهای فنی است از قبیل : فهرست احادیث فهرست نقدها و ردیه هائی که مرحوم شیخ نسبت به اندیشه های متکلمان و مفسران وارد آورده است . فهرست امثال مباحث لغوی و... و در جلد دهم پس از این فهرستها فهرست قافیه های اشعار است در مجلدات دهگانه . ۴۱

[دفتر انتشارات اسلامی] نیز در اندیشه چاپ نوینی است از تفسیر [تبیان] و گویا قسمت زیادی از کارهای آن انجام شده است .

مؤلف [تبیان] محمد بن حسن طوسی معروف به [شیخ الطائفه] و [شیخ طوسی] از ستارگان درخشان و یکی از بزرگترین نوابغ جهان اسلام است . شیخ طوسی به سال ۳۸۵۵ در شهر تاریخی طوسی از مادربزاد و در همانا بالید و رشد کرد و علوم مقدماتی و سطح حالی فقه و اصول و حدیث و غیره راز استادان زمان فرا گرفت . شیخ و غیره راز استادان زمان فرا گرفت . شیخ در سال ۴۰۸ به عراق هجرت کرد و پنج سال در بغداد نزد پیشوای بزرگ علمی بغداد [ شیخ مفید] و دیگران استادان به تحصیل و تکمیل معلومات خود پرداخت و پس از رحلت شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری نیز حدود ۲۳ سال از محضر سیدمرتضی و دیگران بهره های فراوانی برد. و بالاخره ۱۲ سال کرسی درس و پیشوای علمی بغداد را بدست گرفت و با جامعیت و گستردگی دانشی که داشت در حوزه عظیم درسی وی عالمان بسیاری از شیعه و سنی وزیدی شرکت می جستند و از دریای موج دانش وی بهره می جستند

سپس در فتنه ددمنشانه [طغرل] نخستین حاکم سفاک سلجوقی پس از ضربه های شدید روحی و فکری واز دست دادن کتابخانه عظیم شخصی خود رهسپار نجف گردید و حوزه علوم اسلامی را در آن شهر بنیاد نهاد و ۱۲ سال آخر عمر پرثمر خود را در آن دیار قدس به تالیف و تصنیف و تدریس گذراند و بالاخره به سال ۴۶۰ رخت از جهان بریست .

شیخ طوسی از قله افرشته فرهنگ اسلامی است ، و زندگانی علمی و فکری وی سرشار از درسها و پندها برای طالبان علم و جستجوگران دانش . تاکید و تحریص عالمان و مریبان اخلاقی به اندیشیدن در زندگانی [سلف صالح] از عالمان و در نگرستن به چگونگیهای [حیات طیبه] آنان بی گمان بخاطر نکات برجسته و تنبه آفرینی است که در زندگی این عالمان یافت می شود و راهیان مقاصد بلند آن بزرگان را اسوه و راهنما تواند بود.

زندگانی سراسر شور و هیجان و تحرک و تعهد [شیخ الطائفه] بهترین و عالیترین درسها را دارد. از این روی باین که ما پیشتر با اشاره به شرح حال وی و چگونگی زندگانی آن عالم بزرگ منابع شرح حال او را آورده ایم ۴۲ اینک نیز به مناسبت معرفی [التبیان] به ویژه گیهای برجسته این اسوه تحقیق و پژوهش و عالم بزرگ اسلامی اشاره می کنیم .

نگاهی به ابعاد شخصیت شیخ الطائفه :

الف : جامعیت : شیخ طوسی عالمی جامع و متفکری آگاه به زمان و مسلط بر علوم متداول زمان خود بود. جامعیت و گستردگی دانش وی را باید اولین ویژگی شخصیت این عالم بزرگ شمرد. او در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی قلم زده است و آثار گرانبها و جاویدانی از خود به یادگار گذاشته است . ذوق سلیم ابتکار و خلاقیت هدف گیری معقول نثر روان استواری مطالب نظم دقیق و نگارش روان و شیرین آثار شیخ که در جای جای آثارش بروشنی پیداست نشانی دیگر از جامعیت و خبرویت این مجتهد پژوهشگر فرهنگ شیعی است.

یکی از محققان در چگونگی آثار شیخ نوشته اند:

نظر به تبحر و خبرویت شیخ طوسی در همه رشته های علوم دینی رایج عصر خویش در تمام آن رشته ها علوم دینی رایج عصر خویش در تمام آن رشته ها از خود آثاری به جای گذارده که هر کدام در موضوع خود آثاری به جای گذارده که هر کدام در موضوع خود از بهترین کتب بشمار می رود. آثار شیخ واجد چند امتیاز است : یکی این که عبارت آنها بروش معمول زمان در نهایت سادگی و خای از اغلاق و ابهام و بسیار روان و شیرین است دیگر آن

که نوشته های شیخ غالباً از نظم کامل در ابواب و فصول و دسته بندی و کلاسه کردن مطالب برخوردار است امتیاز سوم این که شیخ در یک از آثار خود هدف مشخص و معقولی داشته و طبقه خاصی از طلاب علم از قبیل مبتدیان یا منتهیان و متوسطان در علم را در نظر می گرفته و بعلاوه فنون مختلف یک علم مانند علم فقه را بهم نمی آمیخته است. ۴۳

این جامعیت و اشراف بر فرهنگ زمان و اندیشه های گوناگون از وی دیده بان بزرگی ساخته بود پرشکوه و نستوه که از جایگاه بلند علم و تحقیق بدوراز تنگ نظری و یکسواندیشی قلم می زد و از حریم والای تشیع دفاع می کرد. برای نشان دادن بسط اندیشه شیعی و گستره ابعاد فقه آن [مبسوط] می نگاشت و برای ارائه عظمت و والائی منطق و آراء تشیع با سعه صدر و اشراف به مشربها و جریانهای فقهی دیگر [الخلافا] را می نوشت و برای حراست از جایگاه والای ولایت به تبیین حاکمیت راستین الهی و موقعیت حساس رهبری در نظام الهی می پرداخت و راه را بر شهادان می بست . و برای معرفی اصیل قرآن و تحول آفرینی در تفسیر و پاسخ گوئی به شبهات ملحدان جریان آفرینان فرقه سازان و ... که گاه برای تثبیت اندیشه های خود به تفسیر قرآن می پرداختند تفسیر قرآن می نوشت خداوند او را در بیکران رحمت خویش غرق فرماید که بحق بگفته برخی از محققان این [ شیخ الطائفه ، شیخ الاسلام] است و پیشوای علمی همه مسلمانان .

تسلط بر نفس : نستوهی شکن ناپذیری در مقابل حوادث

تسلط بر نفس یکی دیگر از ابعاد حیات علمی این بزرگ مرد است . شیخ با این که در یکی از بحرین ترین دوره های تاریخ زندگی کرده است و در کوران درگیریهای فرقه ای و نزاع های گروهی ساخته آتش افروزان شاهد ظلمها و ضربه ها به عالمان شیعی بوده با اینهمه در تحقیق تالیف و تصنیف هرگز از جاده انصاف بیرون نرفته است و میدان تحقیق را مبدل به میدان مبارزه گروهی و فرقه ای نکرده است . یکی از پژوهشگران در احوال و آثار شیخ در این زمینه چنین می گوید

با این که شیخ طوسی در تمام دوران اقامت در بغداد ناظر کشمکشها و آشوبها بوده و قسمتی از این حوادث مستقیماً با طائفه شیعه و پیشوایان آنان وابستگی داشته و حتی شیخ مفید در سال ۴۰۹ یک سال پس از ورود شیخ به بغداد از آن شهر تبعید شده است و دیدن این نابسامانیها قهراً باید در روحیه شیخ موثر افتد و در آثار وی منعکس شود اما در سراسر تالیفات شیخ نه تنها یادی از این اغتشاشات نشده حتی حکایت از اضطراب و ناراحتی فکری و روحی وی ندارد. بلکه بعکس همه آثار وی اعم از املاء و انشاء و تالیفات حاکی از روحی آرام و اراده ای جازم

واستوار می باشد کمالین که بحثهای او در مسائل خلاف و موضوعات مورد مشاجره و اختلاف فرق مسلمین کاملاً دور از احساسات و تعصب صورت گرفته است . ۴۵

آزاد اندیشی همگام با زمان : نکته دیگر در حیات علمی شیخ آزاداندیشی سنت شکنی در عین تعبد به اصول و مباین مستحکم فقهی و اصولی و زمان شناسی است . شیخ در تمام دانشهایی که قلم زده و اثر آفریده تحول ایجاد کرده و قافله دانش را پیش رانده است . این خصلت و الا یکی از گران ارج ترین ابعاد زندگی [ شیخ الطائفه ] است که خوب است رای روشن تر شدن این جنبه از شخصیت شیخ بیان آیه الله شهید مطهری را بیاوریم که او خود تبلوری از آزاداندیشی تعبد تعهد و رادی و مردانگی بود:

شیخ طوسی در عصر خود نیاز به تحولی در فقه و اجتهاد را احساس می کند و مانند موارد مشابه بر آوردن چنین نیازی بدون (به اصطلاح امروز) سنت شکنی و جریان برخلاف عادت مالوف میسر نیست . بنابراین شجاعت عقلی و ادبی ضرورت می یابد و شیخ با شجاعتی که مخصوص شخصیت های برجسته ای از طراز خود اوست با نوشتن کتاب مبسوط چنین گامی را بر می دارد و فقه و اجتهاد شیعه را وارد مرحله جدیدی می کند . شیخ باین عمل خود اولاً ثابت کرد که از ضمیری آگاه برخوردار است و نیاز عصر خویش را درک می کند . ثانیاً ثابت کرد که از موهبت شجاعت عقلی و ادبی بهره مند است او از کسانی نیست که فقط نیاز را احساس کند ولی جرات اقدام را نداشته باشد . با جرات و جسارتی کم نظیر این گام خطیر را بر می دارد . ثالثاً ثابت کرد که اجتهاد و تفریع و طرح مسائل جدید و جوابگوئی به آنها مشروط به این نیست که فقه اسلامی را کوتاه و نارسا فرض کنیم و دست به دامن قیاس و رای بشویم . ثابت کرد که کلیات و اصول اسلامی نوعی است که کاملاً ممکن و مقدور است در چهارچوب همان کلیات فروع تازه رسیده را جوابگوئی کرد . هنر شیخ در این است که نه مانند جامدان و متقشران از پاسخگوئی به نیازهای عصر خود شان خالی کرد و نه مانند متهوران و بی پروایان رای و گمان شخصی را جانشین تشریح اسلامی نمود و این است انتظار اسلام از علمای واقعی ما .

استاد شهید آنگاه تحت عنوان [ بهره و سهم ما ] از چگونگی فقه و مقررات اسلامی در قرون چهاردهم یاد می کند و با انتقاد از فرنگی مابان و خود باختگانی که فقه اسلامی را نارسا می دانند و معتقدند که فقه اسلامی پاسخگوی نیازهای زمان نیست می نویسند:

بدون شک ما از نظر فقه و اجتهاد در عصری شبیه به عصر شیخ طوسی زندگی می کنیم . دچار نوعی جمود و اعراض از مواجهه با مسائل مورد نیاز عصر خود هستیم - ما نمی خواهیم زحمت گام برداری در راههای نرفته را که عصر ما پیش پای ما گذاشته به خود بدهیم . همه علاقه ما به این است که راههای رفته را برویم و جاده های همواره کوبیده را بپیمائیم . ما ترجیح می دهیم راه هفتصدساله حل شبهه ابن قبه را طی کنیم و حال آن که امروز صدها شبهه از

شبهه [ابن قبه] مهمتر و اساسی تر و وابسته تر به زندگی عملی خود داریم. شیخ الطائفه بلکه شیخ الطائفه هائی برای قرن چهاردهم ضروری است. که: اولاً با ضمیری روشن نیازهای عصر خویش را درک کنند. ثانیاً با شجاعت عقلی و ادبی از نوع شجاعت شیخ الطائفه دست بکار شوند. ثالثاً از چهارچوب کتاب و سنت خارج نگردند. ۴۶

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی ارواحنفا داده نیازهای گونه گون را عینی تر کرده است و اینک بی گمان این شجاعت و روشن ضمیری فراتر از مسائل فقهی موردانتظار است. البته پس از انقلاب حرکتی در زمینه مسائل فقهی به عمل آمده است بحثهای گرانمایه و روشنگرانه قائم مقام رهبری حضرت آیه الله العظمی منتظری پیرامون حکومت و مسائل مربوط به آن که هنوز نیز ادامه دارد در این راستاست. بر مجتهدان محققان و فاضلان است که در هنگامه تابشهای تحرک آفرین آیین حق و در وزش نسیم دلنواز تعالیم الهی در حاکمیت جمهوری اسلامی به واقعیتها روی آورند و با توجه به نیازها و گره های گوناگون اقتصادی اجتماعی حقوقی اعتقادی و ... به پاسخگوئی با شیوه هائی تاکید می کنیم که اگر مجتهدان عالمان پژوهشگران روشن ضمیران و بیداردلانی می گفتند: [فقه باید

فقهی متحرک باشد نه فقه جامد باید فقهی باشد که بتواند براساس تطور و تحول و دگرگونی در شرایط زندگی اجتماعی احکامی که مطابق با اصول قرآن و اصول سنت باشد اما پاسخگویی نیازهای تطور یافته اجتماعی مردم مسلمان و مردم جهان باشد را بیان کند] و یا می گفتند: [فقه امام صادق(ع) فقهی است زنده فقهی است آزاد فقهی است که در آن تطور و تحول صحیح راه دارد] ۴۷ و یا برای پاسخگوئی به گره ها و مشکلات اجتماعی و اداره مجتمع در مجتهد روحیه انقلابی را لازم می دانستند و در کنار شرایط دیگر می فرمودند:

[ با صراحت اینطور بگویم برای این که یک مجتهد مجتهدی باشد واجد شرایط می خواهم یک شرط اضافه کنم و بگویم که باید مجتهد دارای روحیه انقلابی باشد تا درست مجتهد باشد]. ۴۸

و یا برای رسیدن به برداشتهای مطمئن و [عدم فتوی بدون فحص] و ... شیوه های تحقیق و پژوهش و استنباط معمول را بسنده نمی دانستند و ضرورت بازنگری و تکمیل آنها را پیشنهاد می نمودند ۴۹. و یا اجتهاد را مفهوم نسبی دانسته تاثیر طرز تفکرها و نوع بینشهای مجتهد را در آن مطرح می کردند و می نوشتند [از اینجا بخوبی می توانیم بفهمیم که اجتهاد یک مفهوم نسبی] و متطور و متکامل است و هر عصری و زمانی بینش و درک مخصوصی ایجاد می کند. این نسبت از دو چیز ناشی می شود: قابلیت استعداد پایان ناپذیر منابع اسلامی برای کشف و تحقیق و دیگر تکامل طبیعی علوم و افکار بشری] ۵۰ و یا با تکیه بر ضرورت اجتهاد و حفظ اجتهاد می گویند: [اجتهاد باید محفوظ باشد اما محدود نباشد اجتهاد باید واقیات متحول زمان را بشناسد و ... و همینگونه که شرط است که مجتهد] [حی] باشد اجتهاد نیز باید [حیات] داشته باشد. اگر اجتهاد قلمرو خویش را نگسترده و با واقعیات به صورتی منطقی



رو به رو نشود از مدیریت قلمروهای گسترش یافته حیات انسانی ناتوان می ماند. [ ۵۱ و بالاخره اگر کسانی براین ارزشها پای می فشارند هرگز و هرگز به معنای روی گرداندن از محتوی مکتب و ایجاد [ فقه جدید] نیست . بلکه باید تاکید کردو تنبه داد که [ برداشتهای من در آوردی] و [ تز پراکنی های بی مبنا] اصولا فقه نیست تا این که متصف به [ فقه متحول یا پویا] باشد چنان که جمود بر ظواهر اخباری مابی وحشت از رویارویی با مسائل نوین و ... تقشر اجتهاد نیست در جا زدن است و نه فقه سنتی . [ فقه سنتی] و [ فقه جواهری] با در نگرستن به خود [ جواهر] در مقایسه با آثار فقهی پیشینیان روشن است . تنها و تنها فقه سنتی با مبانی استوار و مواد عظیم و گسترده ناپیدا کرانه اش توان حرکت با جاریهای زمان را دارد و نه چیز دیگر. گویا هنوز که هنوز است این عناوین تبیین نشده اند و به اصطلاح [ تحریر محل نزاع] هنوز مورد نزاع است !! بهرحال [ سلف صالح] حوزه های

علوم اسلامی همانند: شیخ طوسی ها مفیدها سیدمرتضی ها و ... نمونه ها واسوه های والائی هستند که طالب علمان در حوزه های علوم اسلامی باید [ ره چنان روند] که این بزرگان رفتند و با شناخت زمان و درک نیازها و شجاعت ادبی و عقلی در چهارچوب کتاب و سنت [ شیخ گونه] به پاسخ یابی و جوابگویی مسائل زمان پردازند و با گشودن گره های گونه گون در پیشدید نسل معاصر تابشهای زرین و سپیدی آفرین، فقه امام صادق [ع] را نه تنها بر [ اقالیم قبله] که بر [ اقالیم بشریت] بگسترانند بمنه و فضله .

مجمع البیان فی علوم القرآن] در مجموعه آثاری که پیرامون قرآن نگاشته شده است [ مجمع البیان] از جایگاه بلندی برخوردار است مولفان شرح حال نگاران و تفسیر پژوهان به اتفاق [ مجمع البیان] را در جامعیت اتقان واستحکام مطالب ترتیب و تنظیم دقیق تبیین و تفسیر روشن و سودمند آیات انصاف در نقد و بررسی آراء و ... ستوده اند. شهیداول دراجازه مفصل و ارزشمندی که برای شیخ ه فقیه علی بن حسین بی محمد خاذن حایری نوشته می گوید:

کتاب [ مجمع البیان]... امام امین الدین طبرسی را روایت می کنم و آن کتابی است که همانندش نگاشته شده است .

۵۲

مرحوم قاضی نورالله شوشتری می نویسد:

[تفسیر کبیراو که مسمی به [ مجمع البیان] است در جامعیت او در فنون فضل و کمال بیانی کافی و دلیلی وافی

است] . ۵۳

مرحوم سیدحسن صدر نوشته اند:

تفسیر [ مجمع البیان ] (که اسمی هماهنگ با مسمی و لفظی است جامع معنا) در ده جزء تفسیری است که در اسلام نظیرش نگاشته نشده است تمام فنون قرآن را با کوتاهترین بیان به نیکوترین وجه عرضه کرده است . الحق [ مجمع البیان ] راهنمای آثار تفسیری است. ۵۴ .

عبدالمجید سلیم مفتی دیار مصر و رئیس اسبق دانشگاه الازهر در تعریف این تفسیر نوشته است :

[... مجمع البیان کتابی است گرانقدر سرشار از دانش آکنده از فوائد با ترتیبی نیکو که اگر بگویم این تفسیر سرآمد کتابهای تفسیری و مرجع دانشها و بحثهای قرآنی است مبالغه نکرده ام]. ۵۵

مصلح بیدار پیشوای فقید وحدت اسلامی شیخ محمود شلتوت در مقدمه ای که بر چاپ مصران تفسیر نگاشته است می گوید:

[مجمع البیان در میان کتابهای تفسیری بی همتاست این تفسیر با گستردگی ژرفی و تنوع بحثهایش در تبویب ترتیب نظم و پیرایش مطالب دارای ویژه گی و امتیازی است که در میان تفاسیر قبل از او بی نظیر و در میان آثار پس از آن کم نظیر است].

تفسیر پژوه محقق عرب دکتر محمدحسین ذهبی می نویسد:

در تمام مباحثی که وارد شده است به زیبایی و نیکوئی سخن گفته است . آنگاه که از قرائت ها و چگونگی آن بحث کرده و هنگامی که از اعراب و مباحث مربوط به آن سخن گفته و یا به تبیین تفسیر جملات آیات پرداخته به نیکوئی از عهده بر آمده است در نقل حوادث و عرضه قصص و بحث از اسباب نزول مستوفی بحث کرده و هنگامی که از احکام فقهی سخن به میان آورده اقوال فقهاء اسلام را مطرح کرده و به دفاع از مذهب خود برخاسته است و مختار خود را آشکار کرده است .

و چون به حل مشکلات آیات پرداخته اشکالات را زدوده و دل را آسوده ساخته است . مولف آن اقوال پیشینیان را مطرح می کند و با نقد و بررسی اقوال سخن را بر می گرداند و از انصافی شایسته برخوردار است . در مرام خود غلو نمی کند و در اظهار عقیده اش افراط نمی ورزد . ۵۶

مولف بزرگوار کتاب در آغاز از علاقه فراوان خود از آغاز جوانی بتفسیر و خالی یافتن تفاسیر علمای امامیه که پیش از او نگاشته شده بود از وفاء بحق قرآن سخن گفته و از میان تفاسیر تنها تفسیر [تبیان] را در برگیرنده تحقیقات و

کاوشهای کافی درباره قرآن دانسته ولی از حیث ترتیب و نظم ناقص است ازاینرو آهنگ نگارش تفسیری کرده است که شامل تمام علوم قرآنی از قرائت اعراب لغات و بیان مشکلات و ذکر موارد معانی و بیانی و شان نزول آیات و اخبار وارده در آیات . و شرح و تبیین قصص و حکایات و توضیح احکام و بیان آیاتی که دال بر استواری و صحت عقاید باشد. ۵۷

شیخ طبرسی این کتاب را به سال ۵۳۶ به پایان برده است و راستی را از عهده آنچه وعده داده است به قضاوت اهل فن بخوبی بر آمده است .

روش تنظیم مطالب : در آغاز بحث از مکی یا مدنی بودن سوره سخن رفته است و آنگاه از شماره آیات سوره ها و اختلاف اقوال در آن زمینه سپس نامهای سوره ای که نامش مورد اختلاف است و چرایی نامگذاری ها پس از آن فضیلت تلاوت سوره یادآوری می شود و آنگاه به تفسیر آیات شروع می شود. در تفسیر آیات در آغاز به اختلاف قراء اشاره می شود و پس از آن توجیه اعراب می آید و ضمن آن روابط کلمات با ما قبل از ما بعد سنجیده می شود و با توجه به وجوه اعراب مطالب سودمند نحوی و ادبی بیان می گردد در این بحث بهنگام کاوش در بازشناسی معنای لغات به اشعار قدماء شعراء عرب استشهد می شود. آنگاه بیان اسباب نزول است و پس از آن مرحله اساسی و مهم بحثها با عنوان [المعنی] در تبیین و تفسیر کلمات آیات آغاز می شود که ضمن آن نقل اقوال و روایات و نقد و بررسی گفتار مفسران و بیان احکام مستنبط از آیات الهی آمده است و سرشار است از تحقیقات علمی اعتقادی فقهی و ...

کارهای انجام شده پیرامون [مجمع البیان]: [مجمع البیان] از زمان نگارش آن مورد توجه و مراجعه عالمان و عاشقان قرآن بوده است از این روی تنی چند از عالمان و پژوهشگران به ترجمه تلخیص و تحقیق آن پرداخته اند که ضیق مجال را به برخی از آنان اشاره می شود.

۱. زین الدین علی ابن یونس عاملی بیاضی از عالمان و محققان بزرگ شیعه در قرن نهم هجری [مجمع البیان] را تلخیص کرده است با عنوان [زبد البیان المنتزع من مجمع البیان] .

۲. مولی خلیل ابن غازی قزوینی بر مجمع البیان حواشی و تعلیقاتی نگاشته است .

۳. آقا محمد مشهور بملا آقا تهرانی از علمای قرن سیزدهم [مجمع البیان] را ترجمه کرده است با عنوان [مفضل البیان فی علم القرآن] .

۴. محمدحسین طاهری قزوینی از دبیان و علا مان قرن یازدهم شرحی بر اشعار مورد استشهد در [مجمع البیان] نگاشته با عنوان [شرح شواهد مجمع البیان] . مولف این اثر سودمند ابتداء شعر را می آورد و پس از آن گوینده شعر

را می آورد و پس از آن گوینده شعر را مشخص می کند. قبل و بعد شعر را از دیوان شاعر ذکر می کند و پس از آن لغات شعر را تبیین می کند و آنگاه اعراب شعر را می آورد و بالاخره معنای شعر و محل شاهد در شعر. ۵۸

دو جلد از این کتاب با تحقیق و تعلیق عالمانه و محققانه ای از شهید بزرگوار سیدکاظم موسوی میاموی منتشر شده است. محقق در پانوشتها اشعار را به منابع ارجاع داده شرح شعراء را به اختصار آورده و منابع شرح حال شاعران و اعلام موجود در متن را عرضه کرده است.

و توضیحات مفیدی در تبیین مطالب متن و تشریح لغات و مقایسه منقولات با منابع و اختلاف نسخ آورده است. تحقیقات و حواشی مرحوم شهید موسوی بر این کتاب نمونه یک پژوهش وسیع و تتبع خستگی ناپذیر در تصحیح متون است حجه الاسلام عابدی همکار آن مرحوم در کارهای پژوهشی می گوید: حقا در مورد کتاب اخیر (شرح شواهد) زحمت شایان توجهی کشید. طوری که گاهی برای پیدا کردن یک بیت از کتاب مزبور ساعتها به تتبع می پرداخت و اغلب اوقاتش صرف مطالعات ادبی و روایتی می شد. ۵۹

۵. محمدباقر ناصری [مجمع البیان] را تلخیص کرده است با عنوان [مختصر مجمع البیان] در ۳ جلد این کتاب گزینشی است از بخش آخرین [مجمع] یعنی قسمت تفسیر و تبیین معانی آیات واقوال روایات. پس از آیه توضیحات [مجمع] پیرامون الفاظ آورده شده است و گاهی اقوال مورد توجه قرار گرفته و روایات نیز ذیل آیات نقل شده است.

چاپهای مجمع البیان: [مجمع] دو بار در ایران در دو مجلد چاپ سنگی شده است نخست به سال ۱۲۶۸ هجری قمری و پس از آن به سال ۱۳۰۲. پس از این دو چاپ مخلوط برای سومین بار در پنج جلد در [صیدا] منتشر شده است. چهارمین بار [مجمع] براساس چاپ [صیدا] بوسیله آقای هاشم رسولی با مقابله سه نسخه و تصحیح تحقیق متن و افزایش پانوشتهائی کوتاه منتشر شده است.

پنجمین چاپ آن چاپ ۱۰ جلدی است با تحقیق و تعلیقات سودمند مرحوم شعرانی پانوشتهای مرحوم علامه شعرانی غالبا متضمن فوائد ادبی تاریخی تفسیری کلامی و اعتقادی ارجمند و مفیدی است این چاپ مقدمه ای دارد در شرح حال مولف و بحثی در تفسیر و طبقات مفسرین.

[مجمع] چاپ ششمی دارد با حروفچینی جدید در ۶ جلد وزیری که بوسیله [مکتبه الحیاه] در بیروت منتشر شده است. این چاپ بجز حروفچینی جدید هیچ امتیازی نسبت به چاپهای پیشین ندارد و چاپی تجارتنی و سودجویانه است.

تفسیرهای دیگر مولف: در پایان این نگاه گذرا به تفسیر [مجمع البیان] لازم است یادآوری کنیم که مرحوم طبرسی بجز [مجمع] دو تفسیر دیگر نگاشته است. یکی از آندو گزینشی است از تفسیر [الکشاف] زمخشری و دیگری تفسیری است با عنوان [الجوامع الجامع] که پس از مجمع و به درخواست فرزندش نگاشته و از شهرت بسزائی برخوردار است. مطالب [جوامع الجامع] برخلاف [مجمع] جدا از دیدگر بیان نگردیده است. در این تفسیر گزیده گوئی شیوه مفسراست و مطالب آن از دقت نظر و لطف بیان والائی برخوردار است. مسائل مربوط به لغت اعراب و بیان آیات پس از ذکر آیات آمده است. و تربیتی در بیان این مباحث مراعات نگردیده است. مرحوم شهید قاضی نورالله شوشتری درباره این تفسیر می گویند [بعدا از فراغ از تفسیر کبیر خود چون تفسیر کشاف بنظر او رسیده و آنرا پسندیده تفسیری دیگر مختصر که جامع فواید تفسیر کبیر خود و لطایف تفسیر کشاف باشد در سلک تالیف کشیده و آنرا جوامع نام نهاده و این تفسیر در میان مردم متداول مشهور معتبر و منظور است و تفسیری ثالث اخصر نیز دارد].

. ۶۰

[جوامع] ابتداء به سال ۱۳۲۱ با قطع رحلی با اشراف جمعی از فضلاء قم چاپ سنگی شده است و پس از آن به سال ۱۳۸۳ با تصحیح و تحقیق و تعلیق مرحوم آیه الله شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی و به خط طاهر خوشنویس چاپ و منتشر شده است. مرحوم قاضی مقدمه ای دارند سودمند در ۲۱ صفحه در شان قرآن و تفسیر آن و یادی از ویژه گیهای تفسیر و چگونگی چاپ

آن و شرح حال مولف و آثار وی. این مقدمه متاسفانه در چاپی که اخیرا بطورافست منتشر شده نیامده است. و در پایان خاتمه ای نگاشته اند در ۷ صفحه. و در پانوشتها مطالب ارزشمندی در معنای برخی از اشعار توضیح لغات موارد اختلاف نسخ قرأت و توضیح برخی از عبارات و نقل برخی از اقوال و ردیه ها آورده اند.

[جوامع الجامع] چاپ محققانه و بسیار دقیق و منقنی دارد که دو جلد آن انتشار یافته است. این چاپ با تصحیح و تعلیق محقق دقیق و سختکوش آقای دکتر ابوالقاسم گرجی در حال انجام است. آقای گرجی ضمن یک مقدمه مفصل از شرح حال مولف و آثار وی سخن گفته است و در پایان مقدمه پیرامون تفسیر [جوامع] چگونگی تدوین آن و امتیاز این تفسیر بر [کشاف] زمخشری و معرفی نسخه های مورداستفاده مطالبی آورده اند.

آقای گرجی در مقدمه خویش چگونگی کار پژوهش خود را توضیح داده اند. وی متن کتاب را بدقت تصحیح کرده و در پانوشتها اختلاف نسخ را آورده است و گاهی لغات متن را توضیح داده اند. و در متن آیات را بدقت ضبط کرده

بطور کامل اعراب گذاری کرده اند. دو جلد از این کتاب تا پایان سوره [طه] چاپ شده است. و جلد سوم آن زیر چاپ است که امید است چاپ بقیه این تفسیر ارزشمند با همین دقت دیری نپاید و هر چه زودتر منتشر گردد

مؤلف مجمع البیان فضل بن حسن امین الاسلام طبرسی از عالمان مفسران مجتهدان و پژوهشگران بزرگ و یکی از قله های افراشته فرهنگ اسلامی در قرن پنجم و ششم هجری است. در تاریخ ولادت و رحلت وی گفتگو بسیار است. مؤلف [طبرسی و مجمع البیان] به احتمال قوی ولادت وی را به سال ۴۶۹ یا ۴۶۸ و وفاتش را به سال ۵۴۸ می داند ۶۱ امین الاسلام روزگار جوانی را در مشهد مقدس در دانش اندوزی گذراند تا این که در تمام رشته های علمی متداول از ادبیات عرب گرفته تا حدیث فقه اصول تفسیر و غیره آگاهیها و اطلاعات گسترده ای یافت وی به سال ۵۲۳ به شهر سبزوار رفت و در همانجا تا پایان عمر ماند. شخصیت علمی و فکری امین الاسلام در سبزوار از وی محوری ساخته بود برای تدریس تعلیم و نشر افکار ابوالحسن علی بن زید بیهقی که معاصر وی بوده و ۱۵ سال بعد از او فوت کرده است درباره وی می نویسد:

(این امام در نحو فرید عصر بود... و در علوم دیگر به درجه افادت رسید و با قصبه انتقال کرد در سنه ثلاث و عشرين خمسمائه و اینجا متوطن گشت و مدرسه در وازه عراق برسم او بود... و تصانیف بسیار است او را و غالب بر تصانیف او اختیار است و اختیار از کتب

رتبه بلند دارد. فان اختیار الرجل ید علی عقله .. و او را تفسیری است مصنف دو مجلد و کتب بسیار دیگر و در علوم حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. ۶۲

آنچه از عبارات بیهقی که خود متفکری بزرگ بوده است بروشنی پیداست جامعیت استادی و خبرویت وی در علوم اسلامی است این ابعاد در بیانات دیگر شرح حال نگاران نیز درباره وی آمده است. پژوهشگر بزرگ رجالی محقق مرحوم میرزا عبدالله افندی از وی بدینگونه یاد کرده است:

[ الشيخ الشهيد ۶۳ الامام امین الدین الشہید ابو علی الفضل بن الحسن...الفاضل العالم المفسر الفقیه المحدث الجلیل الثقه الكامل انبیل صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان] ۶۴.

و مرحوم شیخ یوسف بحرانی وی را بدینگونه ستوده است:

[كان هذا الشيخ عالما فاضلا ثقه جلیل القدر فی اصحابنا] ۶۵.

و صاحب روضات از وی چنین یاد کرده است:

الشيخ الشهيد السعيد والحقير الفقيه الفريد امين الاسلام ابو علي... الفاضل العالم المفسر الفقه المحدث الجليل الثقه الكامل النبيل. ٦٦ .

باری مرحوم طبرسی کر چه با نگارش تفسیر [مجمع البیان] و دیگر کتابهای تفسیریش به عنوان مفسری بزرگ شناخته شده است ولی باید دانست که او در دانشهای دیگر نیز چیره دست و استاد فن بوده است . دقت در تفسیر بزرگ و جاویدان وی نشانگر ابعاد گسترده دانش اوست . وی در فقه نیز دارای کرسی درس بوده است.

و چنان که در گفتار شرح حال نگاران بزرگ اسلامی دیدیم از وی به مجتهد و فقیه بزرگ یاد شده است . علامه پژوهشگر رجالی مرحوم میرزا عبدالله افندی بعد از آن که از او با عنوان [هوس اکابر مجتهدی علمائنا] یاد می کند. در ادامه گفتگواز شرح وی می نویسد:

[ اجتهاد طبرسی روشنتراز آن است که نیاز به دلیل داشته باشد چرا که مخالف و موافق به مرتبه اجتهاد بلکه برتر از آن برای وی اذعان کرده اند] ٦٧ .

ویژگیهای آثار و شخصیت علمی طبرسی : مرحوم طبرسی از مولفان و محققان پرکار عالم تشیع است که پس از سالهای تحقیق و پژوهش آثار گرانمایه ای از خود بجای نهاده است . آثار وی در میان کتابها و نوشته های محققان اسلامی از جایگاه بلند و منزلتی والا برخوردار است . آثار امین الاسلام از دقت نظر پژوهش وسیع نثر استوار و جامعیت گسترده ای برخوردار است .

آزاداندیشی و بلندی نگری : شیخ در تحقیق و پژوهش آزاداندیش است و بلندنگر وسعت دید و حریت فکری به وی این

امکان را داده بود که با جستجو در منابع و مآخذ گوناگون اسلامی به معلومات و آگاهیهای بسیار عظیمی دست یابد اینگونه کسان به تعبیر مرحوم شیخ محمود شلتوت همچون دلباختگانی هستند که به جستجوی اشیاء نفیس و گرانبها و طرفه در جستجو یند بهر جا سر می زنند و بهره می جویند در منبع یا منابع محدودی خود را محصور نمی کنند. اندیشه های مخالف و موافق را در می نگرند دامنه پژوهش و تحقیق را از مرزهای خودی می گذرانند به وادی کنکاش و کاوش دیگران ره می سپرند و بهره می جویند. مرحوم شیخ محمود شلتوت در ستایش از آزاداندیشی و بلندنگر صاحب مجمع البیان بیان ارزشمندی دارد که می آوریم :

[ همین اخلاق علمی است که در عصر ما نردبان ترقی مخترعین جهان شده است . زیرا یکی از آداب مقدس اخلاق علمی این است که انسان همواره مراقب بحثهای دیگران باشد و آخرین تطورات علم و آخرین نظریه ها را بررسی کند و همواره چشم خود را بحقایق تازه بدوزد نه این که تنها نسبت به آنچه شناخته شده جمود ورزد ... بهمین

جهت من در برابر [مجمع البیان] اثر بدیع این دانشمند شیعی تکام خوردم و شدیداً تحت تاثیر واقع شدم. زیرا وی اکتفاء به علوم و فنونی که داشته و آنچه از علم شیخ الطائفه مرجع بزرگ تفسیر شیخ طوسی مولف کتاب [تبیان] جمع نموده بود نکرده است. تا از علم جدیدی که بوی رسیده آگاه شده و آن را که همان علم صاحب [کشاف] است بعنوان علم جدید با علم قدیم که مربوط به شیخ طوسی بود جمع کرد و اختلاف مذهبی نتوانست میان او و مولف کشاف حائل گردد یا عصبیت او را از این کار باز دارد. از این گذشته پرده هم عصری نیز میان این دو دانشمند بزرگ که در یک عصر می زیسته اند فاصله نیانداخت در صورتی که می دانیم هم عصر بودن خود حجاب است [ ۶۸ .

سخن از مولف گرانقدر [مجمع] بدرازا کشید در این معرفی ها آهنگ ما گزیده گوئی و اجمال است. اما نقطه های اوج این بزرگ مرد تاریخ تشیع که همگان را در جهان اسلام به خضوع واداشته است و روشهای پسندیده ای که وی در زندگانی علمی و پژوهشی خود معمول می داشته و امروز می تواند برای پژوهندگان و طالبان علم بهترین اسوه و سرمشق باشد در تحقیق پژوهش و عرضه مطالب باعث تفصیل گردید. اینک با نگاهی گذرا به یکی دیگر از ابعاد حیات علمی وی سخن را به پایان می بریم .

اخلاص در تحقیق انصاف در نگارش : اخلاص در تحقیق انصاف در پژوهش سعه صدر در نقل اقوال و طرح اندیشه دیگران و عرضه جوانب گوناگون مساله با توجه به دیدگاههای مختلف و عفت قلم نقطه اوج دیگری است در زندگی علمی و تحقیقی مرحوم

طبرسی که شایان توجه و شایسته پیروی و نصب العین قرار دادن است .

آقای حسین کریمان که اثری گرانماه پیرامون [طبرسی و مجمع البیان] سامان داده است در این زمینه می گوید:

[با آن که وی در زمانی که می زیسته که عالمان فرق مختلف مذهبی تنها به اقوال معتقدان طریقه خوداعتنا داشتند و روایات منقول از مجرای مخالفان خویش را هر چند که موید نظر آنان بود مطرود می شمردند طبرسی در نقل نظر مخالفان آنجا که سخن ایشان از نظر اصولی با عقیدت وی از اشکال می نماید و بنحوی جانب وی را تایید می کند با کی ندارد] ۶۹ .

مرحوم شیخ شلتوت که بطور شگفت انگیزی تحت تاثیر شخصیت علمی و انصاف پژوهشی مرحوم طبرسی قرار گرفته است در مقدمه ارزشمند خود بر [مجمع البیان] چاپ مصر پس از طرح دو گونه روش علمی در نگارش : تعصب آمیزی جموداندیشی و آزاداندیشی و اخلاص و انصاف می گوید:



[من می خواهم بگویم که مولف [مجمع البیان] خیلی خوب توانسته است اخلاص خود را در طرز تفکر علمی بکار برد و بر عواطف واحساسات مذهبی غالب گردد گر چه او در هر مورد سعی دارد نظر شیعه و آراء دانشمندان هم مذهب خود را درمسائل خلافی بیان کند و گاهی اهتمام وی دراین زمینه داری عواطف مذهبی است . ولی وی دراعمال این عاطفه افراط نمی کند و مخالف نظر خود و مخالفین مذهبش را مورد حمله قرار نمی دهد این روش سزاوار پیروی است . باید نظر دیگران را مورد نظر قرار داد و با دقت بی طرفی به مخالف فرصت داد از نظر خود دفاع نمی یابد. زیرا ازانصاف دوراست که ما دانشمند نویسنده و محقق متفکری را وادار کنیم که نسبت بعقائد و طرز تفکر خود بی اعتنا باشد و به آن اهمیت ندهد. آنچه ما از دانشمندی که اوقات خود را صرف بحث و تالیف و بیان آراء مذاهب و نظرات متفکرین می نماید انتظار داریم این است که در نوشته های خود انصاف ورزد و نوشته اش از هرگونه شوائب تعصب بکلی پیراسته و نسبت به میراث علمی اسلامی امین و در حفظ ایمان و علم ساعی باشد] ۷۰

براستی امین الاسلام چنین است و شیوه تحقق و پژوهش این قله سان بلند اندیش راهیان تحقیق و پژوهش را سرمشقی نیکوست .

و سرانجام ... مرحوم طبرسی پس از سالها تحقیق تالیف تدریس و تربیت شاگردان بلند آموزه و گرانقدر و به جای نهادن آثار ژرف وارزشمند سرانجام به سال ۵۴۸ در سبزوار رحلت یافت و یا بگفته برخی از مورخان در فتنه غزان و هجوم طوائف غزبه خراسان و شهرهای آن به شهادت رسیده است ۷۱ و بدن پاکش را به مشهد مقدس برده و در نقطه ای که بعدها در زمان صفویه بر اثر دفن شهدای فتنه عبدالله خان ازبک در آنجا معروف به [قتلگاه] شد به خاک سپردند.

مراجع

پاورقی ها

۱. نگاه کنید به : تاسیس الشیعه اعیان الشیعه ج ۱، ۱۲۲ یادنامه شیخ طوسی ج ۱، ۱۵۱.

۲. مجله حوزه شماره ۱۶، ۷۵.

۳. در آستانه قرآن. ۲۴۱۱۴۳.

۴. التفسیر والمفسرون ج ۲، ۱۹، ۱۶.

۵. نگاه کنيد به : الذريعه ج ۴,۲۳۱۳۴۶ مرآت الكتب ج ۲,۱۴۷۱۵۴ مفسران شيعه تفسير شيعه و تفسير نويسان آن مکتب .

۶. رجال النجاشي . ۳۵۱ چاپ جديد مجمع الرجال ج ۴,۴۲.

۷. تفسير عياشي ج ۱. مقدمه .

۸. همانجا.

۹. بحارالانوار ج ۱,۲۸ چاپ بيروت .

۱۰. تفسير عياشي ج ۱/۰۲/

۱۱. رجال النجاشي . ۳۵۰ مجمع الرجال ج ۶,۴۴.

۱۲. رجال الطوسي . ۴۹۷ الفهرست . ۱۳۶ چاپ نجف .

۱۳. الفهرست . ۲۴۴ چاپرضا تجدد ترجمه آن . ۳۶۱.

۱۴. ريحانه الادب ج ۴,۲۲۰.

۱۶. برای آشنای بیشتر از شرح حال و آثار وی مراجعه کنيد به : رجال النجاشي . ۳۵۰. رجال الطوسي . ۴۹۷. الفهرست

۱۳۶۱۳۹. چاپ نجف . مجمع الرجال ج ۴ ۴۴۴۶ جامع الرواه ج ۲,۱۹۲. معالم العلماء . ۸۸. روضات الجنات ج

۱۲۹,۶. تنقيح المقال ج ۲, ۱۸۳. مستدرک الوسائل ج ۳, ۶۶۵. ريحانه الادب ج ۴, ۲۲۰. بحارالانوار ج ۱, ۱۳۰ و ... ت

۱۵. رجال النجاشي . ۳۵۱.

۱۷. الفهرست . ۸۹. رجال النجاشي ۲۶۰۹.

۱۸. الذريعه ج ۴ ۳۰۲۳۰۹.

۱۹. فهرست کتابخانه دانشکده معقول و منقول ج ۱, ۱۳۸.

۲۰. مدرک پیشین . ۱۳۹.

۲۱. الذريعه ج ۱, ۳۵۴.

۲۲. الذريعه ج ۲۰, ۱۹۲.

۲۳. برای آشنائی با وی رک : ریاض العلماء ج. ۱۰۳،۳ اعیان الشیعه ج ۷،۴۶۵.

۲۴. الذریعه ج ۲۰،۱۹۰. برای آگاهی بیشتر درباره تفسیر علی ابن ابراهیم و چگونگیهای آن رک : الذریعه ج ۴،۳۰۲۳۰۹ و ح ۲۰،۱۹۲. فهرست کتابخانه دانشکده معقول و منقول ابن یوسف شیرازی ج ۱،۱۳۸ بین التصوف والتشیع. ۲۰۰ - ۱۹۲.

۲۵. رجال النجاشی. ۲۶۰.

۲۶. الفهرست ۲۷۷.

۲۷. تنقیح المقال ج ۲،۲۶۰ مقدمه بحارالانوار. ۱۲۸. چاپ بیروت .

۲۸. برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار وی مراجعه کنید به : رجال النجاشی. ۲۶۰. الفهرست ۲۷۷. مجمع البیان ج ۴،۱۵۲. جامع الرواه ج ۱،۵۴۵ معجم رجال الحدیث ج ۱۱،۱۹۳ معجم الادبا ج ۱۲،۱۲۵ منتهی المقال. ۲۰۴. منهج المؤلفین ج ۷/۰۹ الذریعه ج ۲،۲۶۰ معجم المؤلفین ج ۷/۰۹ الذریعه ج ۴،۳۰۲.

۲۹. التبیان ج ۱/۰۶

۳۰. الذکری الالفیه للشیخ الطوسی. ۳۶.

دائرة المعارف ج ۱۱،۷۴.

۳۱. التبیان ج ۱،۱۰۳ - ۱۰۲.

۳۲. التبیان ج ۲،۵۸ دائرة المعارف الشیعه ج ۱۱،۷۵.

۳۳. نگاه کنید به پایان مجلدات دهگانه فهرس الردود.

۳۴. التبیان ج ۱،۱۶۲.

۳۵. التبیان ج ۱،۳۸۴.

۳۶. التبیان ج ۱/۰۱

۳۷. الفهرست ۲۸۸. چاپ دانشگاه مشهد.

۳۸. مجمع البيان ج ۱/۱۰/

۳۹. رجال السيد بحر العلوم ج ۳,۲۲۸.

۴۰. مقدمه التبيان ج ۱,۲۵.

۴۱. برای آشنائی بیشتر با تفسیر تبیان رجوع کنید به : دائره المعارف الشيعه ج ۱۱, ۵۹۷۶, یادنامه شیخ طوسی ج ۲,۹  
مقاله مهنج الطوسی فی تفسیرالقرآن همین جلد. ۳۵۴ مقاله الشیخ الطوسی و منهجه فی تفسیرالقرآن و ج ۱,۲۰۹۲۵۸  
مقاله های مقام شیخ طوسی در علم تفسیر واژه های پارسی قرآن و تفسیر تبیان و ... .

۴۲. مجله حوزه شماره ۱۰,۲۷. افزون بر آنچه آنجا یاد کرده ایم رک : رجال السيد بحر العلوم ج ۳,۲۲۷۲۰۴. مقدمه  
تبیان مقدمه رجال شیخ و مقدمه الجمل والعقود. این سه مقدمه از بهترین شرح حالهای شیخ طوسی است .

۴۳. الجمل والعقود. ۲۹.

۴۴. هزاره شیخ طوسی ج ۱,۴۹ مقدمه .

۴۵. الجمل والعقود. ۲۷.

۴۶. یادنامه شیخ طوسی ج ۱,۳۳۴.

۴۷. فقیه مجتهد بزرگوار شهید مظلوم آیه الله بهشتی حجج در قرآن. ۸۸.

۴۸. شهید مظلوم بهشتی صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ج ۱,۲۱۹.

۴۹. شهید مظلوم مجله حوزه. شماره ۱۵ مقاله طرح کوششی تازه در راه شناخت تحقیقی اسلام

۵۰. آیه الله شهید مرتضی مطهری محمد خاتم پیامبران ج ۱,۵۷۵.

۵۱. استاد محمد رضا حکیمی ترجمه الحیاه ج ۱,۲۴.

۵۲. بحار الانوار ج ۱۰۴, ۱۹۱ چاپ بیروت .

۵۳. مجالس المومنین ج ۱,۴۹۰.

۵۴. تاسیس الشيعه. ۳۴۰.

۵۵. طبرسی و مجمع البیان ج ۲، ۲۶.
۵۶. التفسیر والمفسرون ج ۲، ۱۰۴.
۵۷. مجمع البیان ج ۱/۱۰/.
۵۸. طبرسی و مجمع البیان ج ۲، ۲۸۶ به بعد.
۵۹. پیشتازان شهادت در انقلاب سوم. ۲۴۸.
۶۰. مجالس المومنین ج ۱، ۴۹۰.
۶۱. مجمع البیان و طبرسی ج ۱، ۲۰۸.
۶۲. تاریخ بیهقی. ۲۴۲۲۴۳.
۶۳. درباره شهادت وی توضیحی کوتاه در پایان مقاله می آید.
۶۴. ریاض العلماء ج ۴، ۳۴۰.
۶۵. لولوه البحرین. ۳۴۷.
۶۶. روضات الجنات ج ۴، ۳۵۵.
۶۷. ریاض العلماء ج ۴، ۳۵۵.
۶۸. مکتب اسلام سال پنجم شماره ۶، ۱۱ مقاله
۶۹. شلتوت و مجمع البیان .
۷۰. طبرسی و مجمع البیان ج ۱، ۲۵۷.
۷۱. مکتب اسلام سال پنجم شماره ۵، ۴۸۴۹. ۷۲. مفاخر اسلام ج ۳، ۴۲۱ مجله مکتب اسلام شماره ۱۰ سال اول. ۶۷.
- برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار امین الاسلام رجوع کنید به :
- تاریخی بیهقی. ۲۴۲. امل الامل ج ۲، ۲۱۶ ریاض العلماء ج ۴، ۳۴۰. تنقیح المقال ج ۲/۰۷/ لولوه البحرین. ۳۴۶. الکنی واللقاب ج ۲، ۲۴۴. مستدرک الوسائل ج ۳، ۳۸۷. روضات الجنات ج ۵، ۳۵۷. نامه دانشوران ج ۶، ۳۲۵. شهداء الفضیله

۴۵. اعیان الشیعه ج ۸،۳۹۹ معجم المؤلفین ج ۶۶،۸. فهرست مشاهیر ایران ج ۲،۱۸۷ و ... و نیز بنگرید به کتاب  
بسیار سودمند طبرسی و مجمع البیان دو جلد